

در کتابخانه دیوان هند در لندن مقاله ای با عنوان رساله بوقلمون وجود دارد که هرمان اته (H.Ethe) آن را معرفی کرده است.^۱

از این متن برمی آید که ترجمه فارسی، یک متن عربی درباره جوهرها (مرکب های رنگی) یا لیق هاست؛^۲ یعنی آهاری که برای تقویت کاغذ و روانی قلم به کار می رود. همین لیق ها توجه مرا به خود جلب کردند. در واقع این شیوه عمل، که به ندرت در متون دیگر (حداقل به زبان فارسی) تشریح و توصیف شده است در رساله عمده - کتاب^۳ ابن بادیس به تفصیل شرح داده شده است. به همین دلیل دو متن را با هم مقابله کردم و این مقایسه بسی سودمند و پربار بود. نهایت اینکه فقط چند فصل از رساله ابن بادیس به فارسی برگردانده شده است و این برگردان هم ترتیبی به کلی متفاوت از ترتیب و تبویب متن اصلی دارد؛ لذا رساله فارسی ترجمه ای منتخب و جزئی است، اما به کمک آن اکنون به درستی می دانیم که مؤلف چه کسی بوده است.

۱. هرمان اته، فهرست نسخه های خطی فارسی در کتابخانه دیوان هندیه انگلیسی، ج ۱، آکسفورد ۱۹۰۳ (۱۳۱۹ ه.ق)، ص ۱۶۱۵ و ۱۶۱۶ شماره ۲۹۷۷.

۲. لیق جمع ليقه است (تلفظ درست آن ليق است، صورت ليق Liq/ مطابق ضبط له وی است) و عبارت است از گوله ها یا باریکه های مستعمل ابریشم، پشم یا کتان که درون دوات گذاشته می شود تا زواید مرکب را جذب کند. به معنای خود مرکب هم هست. (نگاه کنید به: لغت نامه دهخدا).

۳. برای چاپ های دیگر آن در ایران، نک: عمده کتاب (چاپ عکسی)، به کوشش ایرج افشار، فرهنگ ایران زمین، ج ۲ (۱۳۵۵) ص ۷۹-۱۹۱؛ حقه و قدم له نجیب مایل هروی - عصام مکیه، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه (بنیاد پژوهش های اسلامی) ۱۴۰۹؛ و برای ترجمه فارسی آن، نک: صنعت کتاب پو دازی، ترجمه صادق خورشاه، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، زمستان ۱۳۸۰، (زیر چاپ)، نامه بهارستان.

ترجمه فارسی رساله «عمده الكتاب» ابن بادیس صنهاجی

(۳۹۸-۴۵۴ ق)

(کتابت: ۱۰۲۵ ق)

ایو پورتر*

مترجم: ع. روح بخشان**

چکیده: رساله بوقلمون ترجمه فارسی رساله ای عربی در باب جوهر یا مرکب های رنگین یا لیق های معنی آهارهای کاغذ و قلم است. مقایسه این متن فارسی با رساله عربی عمده الكتاب ابن بادیس نشان می دهد که هر دو متن یکی هستند. هر چند که ترجمه فارسی آنها کامل نیست. ام. لوی لاه وی (M. Levy) اصل عربی را به انگلیسی در آورده است و ما متن های فارسی و عربی را با آن مقابله کرده ایم. جوهر ها دارای ترکیب هایی هستند و در اینجا برخی از مسائل مربوط به آنها و نیز اختلاف های میان جوهرها و لیق ها بررسی و تحلیل شده است.

کلید واژه: صنهاجی، معز بن بادیس؛ ۳۹۸-۴۵۴ ق؛ عمده الكتاب؛ رساله بوقلمون؛ مرکب؛ قلم.

✓ مشخصات مقاله چنین است:

Yves Porter, «Une traduction persane du traité d'Ibn Bādīs: 'Umdat-al-Kuttāb (ca. 1025)», in *Les Manuscrits du Moyen-Orient, Essais de codicologie et de paléographie* (Actes de Colloque d'Istanbul, 26-29 mai 1986). François Deroche (ed.), Istanbul, 1989. pp. 61-67.

* محقق در تاریخ هنر، مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه (C.N.R.S).
** نویسنده و مترجم؛ مرکز نشر دانشگاهی.

۱. معرفی متن فارسی

این ترجمه در مجموعه‌ای از چند متن مختلف جای دارد که یکی از آنها رساله رسم الخط مجنون رفیقی [هروی] چاپ نویسنده (د ۹۰۹ ق/ ۱۵۰۳ م) است،^۴ چند رساله دیگر هم در باب انشای نامه نگاری در آن یافت می‌شود. رساله مورد نظر ما در ورق ۱۰۸ ب تا ورق ۱۳۹ الف با خط نستعلیق خیلی خوب و خوانا نوشته شده است و هر صفحه آن دارای یازده سطر است. کاغذ آن راه راه است و بارنگی که به زردی می‌زند رنگ شده است. مرکب آن سیاه و سرخ و تاریخ کتابت رساله (در ورق ۱۳۹ الف) ۱۰۱۰ ق، قید شده که برابر ۱۶۰۱ م است.

رساله با خطبه‌ای استدعا آمیز و با آیه «نون والقلم وما یسطرون» [قرآن، قلم، آغاز می‌شود (ورق ۱۰۸ ب)] و به دنبال آن دیباچه‌ای است که در جای جای آن هم به آیات قرآنی استشهد شده است. این دیباچه به کلی متفاوت از دیباچه متن عربی است. متن عربی از همان ابتدا با شرح دوازده فصل کتاب آغاز می‌شود. در ورق ۱۱۲ الف تصریح شده است که رساله به تأیید محمود شاه بن محمد شاه بن احمد شاه الولی البهمنی رسیده است.^۵ پس از آن گفته شده که این متن ترجمه‌ای از یک متن عربی در باب ساختن مرکب به رنگ‌های مختلف و نیز درباره برخی از شیوه‌های مربوط به ساخت کاغذ و قلم است. مترجم این رساله را از آن جهت بوقلمون^۶ نام نهاده است که بوقلمون مرغی است که همچون این رساله پیوسته رنگ عوض می‌کند، چنان که در این رساله هم رنگ‌ها در پی هم می‌آیند. کمی بعد در ورق ۱۱۴ الف گفته شده است که این رساله به ۶۱ صنعت تقسیم شده و در واقع هم کلمه «صنعت» ۶۱ بار به جوهر قرمز، و بدون هیچ توضیحی و بدون شماره یا عنوان فصل، تکرار شده است.

۲. مقایسه متن فارسی با اصل عربی^۷

اولین نکته‌ای که از این مقایسه به دست می‌آید به ترتیب فصل‌ها مربوط می‌شود: ترتیب ۶۱ صنعت مندرج در این متن هیچ شباهتی به ترتیب متن عربی ندارد. در عین حال می‌توان گفت که فصل‌های این متن به صورت دسته‌های مرتبط به هم طبقه‌بندی شده‌اند، طول این دسته‌ها یا سلسله‌های فصول بین دو تا چهار برگ متغیر است، در نتیجه می‌توان گفت که ترجمه فارسی از روی نسخه‌ای انجام گرفته که نه تنها ناقص بوده است، بلکه برخی از اوراق یا «فرم»‌های آن در اصل درهم ریخته و آشفته بوده‌اند. مثلاً ترتیب متن عربی به این صورت است که در فصل چهارم مرکب‌های رنگی و در فصل پنجم لقی‌ها و در چند فصل بعد (فصل یازدهم) مسائل مربوط به کاغذ و قلم مطرح شده‌اند. در متن فارسی ترتیب فصل‌ها به این صورت است: صنعت‌های ۱ تا ۶ به انواع مرکب اختصاص دارند؛ ۷ تا ۱۲ به لقی‌ها؛ ۱۳ تا ۲۵ دوباره به مرکب‌ها مربوط هستند؛ ۲۶ تا ۴۸ به لقی‌ها؛ ۴۹ تا ۵۵ به کاغذ آرایشی و قلم؛ ۵۶ تا ۵۹ به مرکب‌ها؛ و ۶۰ تا ۶۱ به لقی‌ها؛ البته باید در جای خود به موضوع اختلاف مرکب‌ها بالیق‌ها پردازیم.

متن فارسی نقایص دیگری دارد. در واقع، بی‌نظمی بندها موجب افتادگی‌هایی در پیوستگی مطالب شده است؛ مثلاً یک «صنعت» با یک دستورالعمل آغاز می‌شود و با یک دستورالعمل دیگر پایان می‌یابد (از جمله صنعت‌های شماره ۱۲، ۳۶، ۵۶، ۶۱). همچنین برخی از صنعت‌ها یا فصل‌ها رونویسی (تکرار) تقریباً کلمه به کلمه بندهایی هستند که قبلاً تحریر شده‌اند (مثلاً بندهای ۴۳ تا ۴۸ همان بندهای ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۳۷، ۴۰، ۴۱ هستند). وانگهی عنوان صنعت‌ها از ۵۶ به ۵۸ می‌رسد؛ یعنی که صنعت ۵۷

[۴] ظاهر مؤلف محترم مقاله (آقای پورتر) در تعیین سال فوت وی دچار اشتباه شده است. سال درگذشت مجنون رفیقی هروی را بعد از ۹۷۵ هجری دانسته‌اند، برای اطلاع بیشتر از شرح حال وی، نک: کتاب آزایی در تمدن اسلامی، تألیف و تحقیق نجیب مایل هروی، مشهد، ۱۳۷۲، صص پنجاه و هفت تا شصت و یک؛ و نیز برای چاپ دیگر این رساله در ایران، نک: «رساله سواد الخط»، نوشته مجنون رفیقی هروی، همانجا، صص ۱۸۳ تا ۲۰۶، نامه‌های ستان. ۵. اته در یادداشت خود تصریح کرده است که شخص محمود بن محمد بن همایون بن احمد دوم است که در سال‌های (۸۸۷-۹۲۴ ق/ ۱۴۸۲-۱۵۱۸ م) سلطنت کرد. نک: باورث، سلسله‌های اسلامی ایزه انگلیسی، ادینبورو، ۱۹۶۷، صص ۲۰۵ تا ۲۰۷.

۶. بوقلمون از یونانی گرفته شده است. در فارسی در ابتدا به نوعی پارچه ابریشمی بافت روم شرقی اطلاق می‌شد؛ همچنین به معنای بوقلمون، آفتاب پرست [که رنگ عوض می‌کند]، و خروس هندی به کار می‌رفت. در اینجا خطایی خلاف معمول سروکار داریم. نخستین بوقلمونی که در هند شناخته شده است به وسیله هندی‌ها از پرتغالی‌ها خریداری شد و تقدیم جهانگیر (۱۰۱۴ تا ۱۰۳۶ م) گردید، و جهانگیر وصف آن را در تُوژو ک جهانگیری خود آورده است (ترجمه انگلیسی، ج ۱، صص ۲۱۵). در فرهنگ آندراج فقط یک نمونه از این کلمه در مورد یک پرنده ذکر شده است و آن در بیتتی از قاسم مشهدی شاعر قرن دهم هجری است. (نک: خیامپور، فرهنگ سخنوران، تبریز، ۱۳۲۰، صص ۴۶۳ و ۴۶۴).

۷. مقایسه به این ترتیب انجام گرفته است: الف) چاپ عربی متن به وسیله حلوجی و زکی، در مجله معهد المخطوطات العربیة، ج ۱۷ (۱۳۹۱/۱۹۷۷). ب) ترجمه انگلیسی له‌وی، در مقاله‌اش به عنوان «فناوری شیمیایی در کتاب سازی عربی قرون وسطی» به جدول شماره یک نگاه کنید. شماره گذاری بندهای متن عربی کمابیش در مقابله با متن فارسی انجام گرفته است و در متن اصلی با ترجمه انگلیسی آن وجود ندارد و مابرای سهولت کار، آن را ارائه کرده‌ایم و غالباً به آن ارجاع خواهیم داد.

است. این نکته را هم یادآوری کنیم که هر چند متون عربی معمولاً به فارسی برگردانده نمی شود و در ایران به همان صورت اصلی مورد استفاده قرار می گیرند، لیکن در هند و مخصوصاً در دربار سلاطین بهمنی آنها را به طور منظم به فارسی و زبان های رایج ترجمه می کردند.

۳. ملاحظاتی در باب دستورالعمل ها (نسخه ها)

پیش از این به موضوع اختلاف میان مرکب و لیق اشاره کردیم. اکنون ابتدا به تعاریفی که در فرهنگ های لغت از این اصطلاحات به دست داده شده اند می پردازیم (دهخدا، قَلَقَشَنَدی؛ و نیز یادداشت شماره ۲). «لیق» عبارت از گلوله های کوچک و سبک پارچه است که در دوات جای داده می شوند. «آن چه از لاس و پشم و موی و جز آنها که در دوات مرکب نهند»، معین^۱ و به مرکبی که این گلوله ها را آغشته می کند نیز لیق گویند. لیق در صنعت کوزه گری و سفال سازی^۲ به معنای لعاب است. اگر این معنی را که منشاء آن نامعلوم است، نادیده بگیریم، تفاوتی که میان مرکب و «لیقه» وجود دارد فقط به چگونگی «عمل آوردن» آنها مربوط می شود. بنابراین، این تفاوت نام گذاری برای دو ترکیب مشابه از کجا ناشی می شود؟ اکنون به تجزیه و تحلیل ترکیبات آنها می پردازیم تا به تفاوت های آنها پی ببریم.^۳ به نظر می رسد که چهار عنصر مشابه که در ترکیب مرکب و لیق وجود دارد عبارت است از:

- ۱) عناصر نرم و قابل انعطاف پیونددهنده (صمغ و چسب)
- ۲) جوهر مازو (عناصر رنگی برگرفته از هسته مازو و یا پوست نباتات)؛
- ۳) ماده رنگی پوست (رنگینه گیاهی یا معدنی)؛
- ۴) نمک فلزات (سولفات ها...).

برخی از دستورالعمل ها حاوی عناصر افزودنی یا عمل آوردنی دیگری نیز هستند. به هر حال برای دستیابی به مرکب دو عنصر ضرورت کامل دارند: ماده رنگینه که جوهر مازو می تواند جای آن را بگیرد و جسمی نرم که باعث می شود ماده رنگینه به حالت معلق بماند و به محلی که مالیده می شود بچسبند.

از قلم افتاده است. در حقیقت، متن فارسی دو فصل متن عربی را به هم ملحق می کند و در نتیجه عملاً از ۶۱ عنوان صنعت که در ابتدای رساله نوید داده شده است، فقط ۵۴ صنعت واقعاً اصلی هستند (و بقیه تکراری).

در خاتمه این مقایسه باید گفت که نسخه روایت فارسی که مورخ سال ۱۰۱۰ ق است خیلی قدیمی تر از نسخه متن اصلی است که مورخ سال (۱۳۲۶ ق/۱۹۰۸ م) است و لهوی از آن برای ترجمه انگلیسی خود استفاده کرده است.^۴ این نسخه از روی یک نسخه که در کتابخانه تیموریه قاهره وجود دارد رونویس شده است. لهوی از یک نسخه دیگر یاد کرده است که در تاریخ (۱۰۸۲ ق/۱۶۷۱ م) کتابت شده است.^۵

احتمال دارد که ترجمه فارسی اصلی که میان سال های (۸۸۷ تا ۹۲۴ ق/۱۴۸۲ تا ۱۵۱۸ م) یعنی در حدود یک قرن قبل از تاریخ کتابت نسخه مورد استفاده ما، نگاشته شده است دارای آشفتگی ها و صورت ظاهری شبیه همین نسخه ما بوده باشد. در واقع، در دیباچه این متن گفته شده است که در صفحات بعد از آن درباره چگونگی ساخت انواع مرکب رنگی (جوهر) و برخی از شیوه های ساخت و آماده کردن کاغذ و قلم سخن خواهد رفت. لذا خواننده نا آشنا از اندک بودن این ۶۱ صنعت در قیاس با متن عربی دوازده فصلی ابن بادیس شگفت زده خواهد شد. در مورد تکرار شدن بندهایی که پیش از این به آنها اشاره شد می توان، بر اساس شماره گذاری آنها، چنین تصور کرد که ناشی از اشتباهی هستند که همچون نقایص و جا افتادگی های متن، به زمان ترجمه مربوط می شوند. بنابراین نمی توان امیدوار بود که در صورت پیدا شدن نسخه ای دیگر از این ترجمه، جز بند هفتم از فصل چهارم متن ابن بادیس چیزی دیگر دستگیرمان شود.^۶

در مقابل، توجه به این نکته شایسته است که متن عربی چندان اهمیت داشته است که به ترجمه درآمده است و افزون بر این، یک قرن بعد در مجموعه ای جای گرفته است که برای آموزش اسلوب دبیری و نگارش یا حداقل برای کسی که اهل هنر کتاب آرای بوده فراهم آمده بود

۸. با یادداشت پیشین نگاه کنید. در لندبرگ، ۶۳۷، به نسخه خطی یکسانی اشاره شده که در سال (۱۲۲۸ تا ۱۸۱۳ م) کتابت شده است.

۹. به نسخه های دیگر هم بدون ثبت تاریخ کتابت، اشاره شده است، در فهرست نسخه های خطی عربی کتابخانه گوته (Gotha) به آلمانی، تألیف پرچ، ج ۳، (۱۸۸۱)، ص ۲۵ تا ۲۸، از نسخه های زیر نام برده شده است: شماره ۱۲۵۴، تونس، مورخ ۱۲۸۳؛ شماره ۱۳۵۵، بی جا، مورخ ۱۱۶۷، شماره های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ بدون تاریخ.

۱۰. بند ۱۷ از فصل چهارم ترجمه انگلیسی منطبق است با صنعت ۵۷ در رساله بو قلمون، اما با یک دستورالعمل دیگر ادامه می یابد، به گونه ای که می توان تصور کرد کاتب روایت فارسی، در این محل چیزی را از قلم انداخته است که برابر بند ۶ ترجمه انگلیسی است؛ در هر صورت بند ۷ ترجمه انگلیسی در رساله بو قلمون وجود ندارد.

۱۱. نگاه کنید به: ا.ج. ای. وولف (H.E. Wulf)، صنایع سنتی ایران (به انگلیسی)، کمبریج، ۱۹۶۶، ص ۱۶۰.

۱۲. به جدول شماره دو نگاه کنید. شماره های آن منطبق با شماره گذاری مادر متن عربی است.

الف) مرکب‌ها

عناصر نرم چسبنده. در میان مرکب‌ها برخی انواع ناقص یافت می‌شود که مثلاً فاقد عنصر نرم چسبنده هستند. مثلاً شماره یک ابرحسب شماره گذاری صنعت‌ها در نسخه [حاوی چهار عنصر است که از نظر جوهر مازو و رنگینه‌های گیاهی بسیار قوی هستند، اما فاقد هرگونه چسبندگی است. همچنین است شماره سه که از لحاظ جوهر مازو غنی است و به آن سولفات افزوده می‌شود. شماره ۱۱ فقط حاوی عصاره‌های رنگی مازویی و یک رنگینه گیاهی است. شماره ۱۶ از نیل و رنگ‌های سبز و خاکستری ترکیب شده است... به این ترتیب همه این نسخه‌ها فاقد عنصر چسبنده هستند و در نتیجه قدرت چسبندگی آنها کم است. در برخی از موارد (مثلاً شماره ۳) نمک فلز می‌تواند به سبب خوردن و تحلیل بردن حامل یا زمینه و فرو بردن رنگینه در درون آن عمل کند.

جوهر مازو. در بسیاری از دستورالعمل‌ها جوهر مازو ممکن است جای رنگینه‌های دیگر را بگیرد (شماره‌های ۳، ۵، ۶، ۱۹) یا زده نسخه هم فاقد عصاره مازویی هستند بعضی دیگر (مثل نسخه‌های ۱ تا ۳) مقدار قابل توجهی جوهر مازو دارند.

رنگینه‌ها. رنگینه‌ها، یا گیاهی هستند (صرف نظر از جوهر مازو، در یازده دستورالعمل)، یا معدنی (در دوازده نسخه) و یا مرکب (در دو نسخه).

نمک فلز. نه نسخه حاوی نمک فلز به صورت سولفات (مس آهن و...) هستند که چون به جوهر مازو افزوده شود واکنشی پدید می‌آورد که موجب پیدا شدن یک مجموعه سیاه رنگ می‌شود. برخی از جوهر مازوها، در صورتی که تحت تأثیر اسید محلول قرار گیرند، ترکیبی سرخ رنگ به وجود می‌آورند (شماره‌های ۴ و ۵ و ۶).

ب) لایقه‌ها

عناصر نرم چسبنده. نسخه‌های مربوط به لایق یا لایقه حداقل دارای یک عنصر چسبنده، و برخی از آنها حاوی چند عنصر چسبنده هستند. نمونه شاخص چسبنده در لایق صمغ درختی است. از ۲۵ دستورالعمل، ۲۳ دستورالعمل حاوی صمغ هستند که در ۲۰ مورد فقط جنبه چسبندگی دارند و در ۳ مورد عنصر ترکیبی هستند. آشنان و پوست گاو تنها مصرف می‌شوند (شماره ۳۰ و ۴۵) و صمغ

کتیرا، عسل و چسب ماهی همراه با صمغ درختی به کار برده می‌شوند.

جوهر مازو. در نه نسخه، عناصر جوهر مازویی که از هسته مازو گرفته شده است به کار رفته‌اند و سه نسخه حاوی جوهر مورد و انار هستند.

رنگینه‌ها. در دو نسخه هیچ رنگینه خاصی ذکر نشده است. در یکی از آنها (شماره ۴۵) رنگ پس از پختن و در نتیجه واکنش شیمیایی پیدامی‌شود. دستورالعمل شماره ۵۴ مربوط به مرکب سیاه برگرفته از فلز و مازو است؛ یعنی رنگ در نتیجه عمل سولفات بر روی جوهر مازو به دست می‌آید.

نمک فلز. از میان ۲۵ نسخه مربوط به لایق فقط در پنج نسخه به استفاده از سولفات اشاره شده است که یکی از آنها بر اثر گرما تغییر نمی‌یابد و آن نسخه شماره ۵۴ درباره مرکب سیاه است.

از مقایسه ترکیبات مرکب‌ها و لایق‌ها این نتیجه به دست می‌آید که در ترکیب لایق به ندرت از نمک فلز استفاده می‌شود که شاید به این علت باشد که نمک فلز روی گلوله‌های پارچه‌ای که لایق را درست می‌کنند، اثر می‌گذارد و این تقریباً تمامی نتیجه‌ای است که می‌توان از این مقایسه به دست آورد. از ترجمه فارسی می‌توان به اصلاح تکمیلی ناچیزی دست یافت. در ابتدای صنعت ۷ چنین تصریح شده است: «در ساختن لایقه یعنی مداد از جمله چیزهای ساخته، البته کلمه «چیز» را می‌توان «چپر» هم خواند، ولی به هر حال هیچ اطلاع دقیق مهمی از آن به دست نمی‌آید. در متن اصلی اطلاعی در این زمینه داده شده است، و آن این است که گفته شده: «رنگ روی لایقه تهیه شده از پشم سفید ریخته می‌شود.» در این میان پاره‌ای از دستورالعمل‌های ساخت مرکب شبیه دستورالعمل‌های ساخت لایقه هستند چنانکه در شماره‌های ۲۳ و ۵۰ مشهود است. دستورالعمل شماره ۵۴ چنانکه گفته شد مربوط به ساختن مرکب سیاه است و معلوم نیست که کاتب اشتباه کرده است، یا خود این بادیس بابی دقتی نوشته و یا چیزی را از قلم انداخته است؟ قلقشندی در کتاب صبح الاعشی^{۱۳} لایق را مرکب رنگی که برای تزیین حروف و نسخه‌ها به کار می‌رود، تعریف کرده است، و در این زمینه چند نسخه پیشنهاد نموده است (طلا، لاجورد، شنگرف). به این ترتیب به نظر می‌آید که میان مرکب و لایقه تفاوتی

۱۳. دستورالعمل مرکب فلز و مازو که ترکیبی سرخ رنگ (و نه سیاه) ایجاد می‌کنند، به مبحث «نمک‌های فلزی» نگاه کنید. کوشش‌های ما برای دسته بندی مرکب (جوهر)‌ها مبتنی بر تحقیقات زردون / Zerdoun با عنوان مرکب‌های سیاه در قرون وسطی، پاریس ۱۹۸۳ م است.
۱۴. ابوالعباس احمد بن علی قلقشندی، صبح الاعشی، قاهره، بی تا، ج ۲، ص ۴۷۷ و ۴۷۸. این کتاب در سال ۸۲۱ ق تألیف شده است.

متن فارسی	ترجمه انگلیسی
- هسته مازو	- هسته مازو
- هلیله	- شنگرف سرخ
- صمغ درختی	- صمغ درختی

کاملاً آشکار است که با ترکیباتی که له وی پیشنهاد کرده است، نمی توان جز یک رنگ بسیار زیبای سرخ به دست آورد! مقایسه میان متن های عربی و فارسی (جدول شماره یک) نشان می دهد که صنعت شماره ۱۲ کمابیش از صنعت ۴۵، که متأسفانه با صنعت ۳۶ ترکیب شده، گرفته شده است. برای پیدا کردن شنگرف سرخ پیشنهادی له وی، باید به این بند رجوع کرد. در حقیقت، صنعت ۴۵ با نقل صنعت ۱۲ (لیقه سبز) آغاز می شود، ولی با نقل صنعت ۳۶ (یک لیقه دیگر) ادامه می یابد؛ در این بند (صنعت ۳۶) شیوه ساییدن شنگرف توضیح داده شده است و در همین جاست که ترجمه انگلیسی با متن فارسی انطباق می یابد. در واقع چنین می نماید که متنی که له وی برای ترجمه به کار برده است در ترتیب بندها و فصل ها دچار جابه جایی شده بوده است. با وجود این به نظر می رسد مترجم انگلیسی از اینکه چگونه از رنگ سرخ، رنگ سبز تولید می شود، دچار شگفتی نشده است!

در ترجمه انگلیسی چند نکته دیگر هم ملاحظه می شود که اگر هم نادرست نباشند حداقل با دستورالعمل های ابن بادیس نیز منطبق و همسوییستند. برای نمونه بند ۸ ترجمه انگلیسی مطابق با بند ۵۸ رساله بوقلمون درباره دستورالعمل ساخت جوهر آبی. در ترجمه انگلیسی پیشنهاد شده است که دانه های نیمکوب گشنیز را با صمغ درختی و لاک مخلوط کنند، حال آنکه از این مخلوط یک خمیر قهوه ای رنگ به دست می آید و من، خود، آن را تجربه کرده ام. وانگهی هم در متن عربی و هم در روایت فارسی تصریح شده که گل گشنیز به کار برده شود نه دانه آن.^{۱۶} کلمه طلق (مثلاً در ترجمه انگلیسی در بندهای ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۵۳، ۵۵) در عربی همزمان دارای معنای طلق و آق معدن است و در چندین دستورالعمل مشاهده می شود، اما له وی آن را فقط «آق معدن» ترجمه کرده است، و من

قائل باشم. شاید بررسی دستورالعمل های این نسخه ها امکان دست یافتن به پاسخی را فراهم آورد.

ج) کاغذ، آهار، قلم

ابن بادیس این مطالب را در فصل یازدهم رساله خود مطرح کرده است که در ترجمه فارسی صنعت های شماره ۲۹ تا ۵۵ با آنها تطبیق می کنند. نخستین بند متن عربی، در روایت فارسی وجود ندارد. در بند دوم شیوه ای شرح داده شده است که در آن به کمک خمیر برنج به کاغذ آهار داده می شود. دستورالعمل های مشابهی نیز پیشنهاد شده اند. همچنین عصاره های رنگین به آهار افزوده می شوند تا کاغذ آراسته و زیبا شود. پس از آن دستورالعمل هایی ذکر شده اند که عمل آوردن آنها خیلی پیچیده است و هدف از آنها رنگین کردن قلم است به گونه ای که بر روی زمینه سفید، سیاه بنویسد و روی زمینه سیاه، سفید بنویسد، و همچنین است درباره رنگ های دیگر.

آخرین فصل رساله فارسی که در متن عربی وجود ندارد مربوط به تعریف انواع قلم است که پنج شکل دارد و هر شکل به شیوه ای متفاوت و بر حسب نوع خط تراشیده می شود.

۴. چند نکته درباره ترجمه انگلیسی

از مقایسه ترجمه انگلیسی^{۱۵} با متن عربی، به صورتی که چاپ شده است، این نکته روشن می شود که متن عربی نواقصی دارد. متن عربی فاقد سه بند است که در عوض در ترجمه فارسی وجود دارند:

ترجمه انگلیسی، شماره ۲۶ = رساله بوقلمون،

شماره ۴: دستورالعمل مرکب زرد؛

ترجمه انگلیسی، شماره ۳۵ = رساله بوقلمون،

شماره ۱۲: لیقه سبز؛

ترجمه انگلیسی، فصل یازده، بند ۸ = رساله بوقلمون، شماره ۵۵: پنج نوع قلم.

بند ۲۶ و بند ۸ از فصل یازده ترجمه انگلیسی با ترجمه فارسی تطبیق دارند، اما در مورد بند ۳۵ چند نکته جلب نظر می کند. در واقع عنوان نسخه تصریحاً حکایت از یک لیقه سبز دارد. در هر دو متن ترکیبات زیر مشاهده می شود:

۱۵. له وی چندین نسخه خطی را بررسی کرده است، در عین حال در ترجمه خود فقط یک شماره گذاری برای صفحات ارائه داده است که احتمالاً منطبق با نسخه مورخ (۱۳۲۶ ق/۱۹۰۸ م) است که قبلاً از آن یاد کردیم. در ترجمه، بر خلاف چاپ عربی کتاب هیچ اشاره ای به نسخه بدل ها نشده است. چاپ عربی مبتنی بر مقابله نه نسخه است، از جمله نسخه های زکیه، شماره ۳۴۵ مورخ ۱۱۹۳ ق؛ تیموریه، رامپور، مورخ ۱۱۸۸ ق که مشخصاتشان در متن چاپی داده نشده است.

۱۶. در زبان عربی: نوار کزبرة الفحص؛ در فارسی: گل گشنیز، در زبان فارسی این کلمه به معنای گشنیز و نیز گیاهی با گل های آبی است در عربی "کزبره" به معنای گشنیز و "الفحص" یعنی "شاهتره" به آن افزوده شده است. در عین حال به نظر می رسد که معنای اخیر در اینجا مناسب باشد، زیرا که این گیاه ویژگی رنگ آفرینی خاصی ندارد.

فکر می کنیم که منظور مؤلف اصلی فقط طلق (سیلیکات منیزیم خالص) است. دلیل آن هم گمان می کنم از رساله سیمی نیشابوری درباره رنگ ها به دست می آید^{۱۷}، که بین طلق - آق معدن که برای پنجره های حمام به کار می رود، و طلق مطلق، که بر سفیدی آن تأکید کرده است، تفاوت قائل شده است. او در دستور العمل هایی شبیه دستور العمل های ابن بادیس خصوصیت های شگفتی آور طلق سفید را شرح داده است.

آشنان که له وی آن را «سود» (Soda) ترجمه کرده است (بند ۳۰) در رساله صادقی [۹۴۰-۱۰۱۷ق] با عنوان قانون الصور به صورت مایع به کار رفته است (آب آشنان / آب چوبک)^{۱۸}. (این کلمه مبهم می نماید، زیرا معرف فرآورده ای است که هم مینای گیاهی دارد و هم مصنوع (مشتق) است، یعنی "سود" که از راه تکلیس یک گیاه دیگر به دست می آید. له وی در بند ۱۵ مطابق با بند ۱۸ در رساله بوقلمون برای دستور العمل "مرکب ریحان بزرگ" ترکیبی به دست می دهد که آن را "ماده سرخ ارغوانی" می نامد. در حالی که عنوان این نسخه یعنی "ریحان" موضوع یادداشتی درباره این گیاه است و شناسایی عنصر اولیه ترکیب مورد توجه قرار نگرفته است. در متن عربی عبارت "الخیری الاحمر" (شب بوی سرخ) به کار رفته است و در روایت فارسی هم همین اصطلاح مشاهده می شود).
در بند ۳۲ ترجمه انگلیسی مطابق با بند ۹ رساله

بوقلمون، اصطلاح «لیقه خلوقیه» به انگلیسی ترجمه نشده است.^{۱۹} در روایت فارسی اصطلاح «سخت سرخ» (سرخ تند) به کار رفته است.

در بند ۳۴ ترجمه انگلیسی مطابق با بندهای ۱۱ و ۴۴ رساله بوقلمون، و در بند ۳۷ ترجمه انگلیسی مطابق با بند ۳۸ این رساله اصطلاح «عروق الصبغین» مشاهده می شود که مترجم آن را «سبز مغز پسته ای» ترجمه کرده است^{۲۰}، در حالی که در متن فارسی «زرد چوبه» است. در همین بند ۳۴ مطابق با بند ۴۴ ترجمه فارسی در عوض کلمه الآس (al-ās) یعنی مورد و شجر الآس «آب پیزر»^{۲۱} به کار رفته است و حال آنکه در متن فارسی همان مورد استعمال شده است.

البته این را هم باید گفت که تشخیص دقیق ترکیبات غالباً به دشواری انجام می گیرد، و لذا تأسف آور است که له وی از یادداشت های بی شماری که همراه متن عربی بوده اند برای درک بهتر و دقیق اندیشه ها و آرای ابن بادیس که در واقع «هنر کتاب» است، استفاده نکرده است. در واقع، اطلاعات مربوط به کیفیت ها و خصوصیت های ترکیبات آماده عناصر مذکور در ترجمه بسیار زیاد است، که ظاهراً در مقاله خود با عنوان «فناوری شیمیایی» به آنها توجه داشته است، اما این مقاله در باب مبحثی است که به موضوع گزارش ما ارتباط ندارد.

۱۷. سیمی نیشابوری، «جوهر سیمی»، نک: مقاله نگارنده با عنوان «رساله ای از سیمی نیشابوری...» (به فرانسوی)، در Studia Iranica، ج ۱۴، ش ۲ (۱۹۸۵)، ص ۱۹۰ و ۱۹۱؛ برای چاپ دیگر این رساله، نک: سیمی نیشابوری، «جوهریه» کتاب آرای در تمدن اسلامی، تألیف و تحقیق نجیب مایل هروی، مشهد، ۱۳۷۲، صص ۴۳-۵۴، نامه بهارستان.
۱۸. آشنان چند معنی دارد: (۱) چوبک میخکی یا قرنفلی حاوی نوعی گلوکز یا ماده قندی (۲) علف شوره یا ذوفلقه که خاکستر آن حاوی «سود» است. به عقیده ابن بادیس و نیز صادقی این عنصر در مقام «چسبنده» عمل می کند. آب چوبک که ماده چسبنده گلوکزی است ظاهراً در اینجا مناسب تر از «سود» حاصل از خاکستر علف شوریده است. برای چاپ متن صادقی، نک: «قانون الصور» به کوشش محمد تقی دانش پژوه، هنر و مردم، شماره ۹۰ (۱۳۴۹)، صص ۱۳ تا ۲۰.
۱۹. خلوقی: له وی تعریفی از این اصطلاح به دست می دهد به صورت «ترکیب عطریات حاوی زعفران» اما چنین می نماید که این اصطلاح در عربی به رنگ سرخ روشن دلالت دارد. مترجم انگلیسی این نکته را قید نکرده است.
۲۰. در انگلیسی: Celandine یعنی «مامیران» (خلیدونیون، زردچوبه، عروق الزعفران، ضمیران...)، گیاهی از تیره خشخاش با گل های زرد است که شیره آن را برای درمان زگیل مفید می دانستند. له وی در داخل پرانتز نوشته است (احتمالاً در این جا به معنای روناس madder است)، یعنی که در اینجا بار دیگر برای ساخت رنگ سبز باید از رنگ سرخ استفاده شود. به نظر می رسد که کلمه فارسی زردچوبه در اینجا مناسب تر باشد.
۲۱. Water of rush (آب جگن) به «عسل» ترجمه شده است، اما در متن عربی آلاس (مورد) است نه «عسل»!



جدول شماره ۱
مقایسه فصول رساله «بو قلمون» با متن [عربی عمدة الکتاب] ابن بادیس

رساله بو قلمون	ابن بادیس	[متن فارسی]	[متن عربی]
۱	۲۳	مداد گلرنگ	حبر مورد
۲	۲۴	مداد سرخ تیره	حبر اذهب
۳	۲۵	(جوهر سبز دیگر)	حبر اخضر
۴	۲۶	مداد زرد	(مركب زرد)
۵	۲۷	مداد سفید	حبر ابيض
۶	۲۸ و ۲۹	مداد سرخ / صفت شستن زنجفر	حبر احمر
۷	۳۰	در ساختن ليقه ها، ليقه سرخ	ليقة حمراء
۸	۳۱	ليقة بی رنگ	ليقة حمرية
۹	۳۲	ليقة سخت سرخ	ليقة خلوقية
۱۰	۳۳	ليقة گلناری	ليقة جلنارية
۱۱	۳۴	ليقة پسته رنگ	ليقة فستقية
۱۲	۳۵	ليقة سبز	[سبز خوش رنگ]
۱۳	۱۰	مداد پسته رنگ	حبر فستقی
۱۴	۱۱	مداد بی رنگ	حبر حمري
۱۵	۱۲	مداد خوب	حبر من شقائق
۱۶	۱۳	مداد دیگر، بزمان	حبر البرسان
۱۷	۱۴	مداد یاقوت رنگ	حبر یاقوتی
۱۸	۱۵	مداد ریحان رنگ	حبر ریحانی
۱۹	۱۶	مداد خوب	حبر جيد
۲۰	۱۷	مداد سبز	حبر آخر [؟ اخضر]
۲۱	۱۸	مداد سرخ سیر	حبر ادراهم
۲۲	۱۹	مداد دیگر	حبر آخر
۲۳	۲۰	مداد سماق رنگ	حبر السماق
۲۴	۲۱	مداد که بر سیاه سفید ...	حبر الاسود ابيض
۲۵	۲۲	مداد مانند طلا	حبر مثل الذهب
۲۶	۴۲	ليقة سفید خام	ليقة بيضاء رصاصيه
۲۷	۴۳	ليقة لاجوردی	ليقة لاجوردیه
۲۸	۴۴	ليقة طلا رنگ	ليقة صفراء ذهبیه
۲۹	۴۵	ليقة دیگر	ليقة أخرى ذهبیه
۳۰	۴۶	ليقة نقره رنگ	ليقة فضیه أو ذهبیه
۳۱	۴۷	ليقة سرخ سیر	ليقة خلوقیه أو ذهبیه
۳۲	۴۸	در ساختن آب صمغ	صفة ماء الصمغ

لیقه ذهبیه من الشقائق	لیقه طلا رنگ	۴۹	۳۳
لیقه وردیه	لیقه گلرنگ	۵۰	۳۴
لیقه بنفسجیه	لیقه بنفش	۵۱	۳۵
لیقه آخری	لیقه دیگر [صفت ساختن -]	۵۳/۵۲ ≈	۳۶
لیقه صفراء شدیدة	لیقه سخت زرد	۳۶ ≈	۳۷
لیقه زرقاء	لیقه ازرق	۳۷	۳۸
لیقه صفراء مشمشیه	لیقه زرد آفتابی [زرد آلو]	۳۸	۳۹
لیقه مثل الزمرد	لیقه سبز زمردی	۳۹	۴۰
لیقه خضراء	لیقه سبز دیگر	۴۰	۴۱
لیقه مشمشیه	لیقه زرد آلو رنگ	۴۱	۴۲
		۳۳	۴۳ = ۱۰
		۳۴	۴۴ = ۱۱
		۳۵	۴۵ = ۱۲/۳۶
		۳۶	۴۶ = ۳۷
		۳۹	۴۷ = ۴۰
		۴۰	۴۸ = ۴۱
صفة سقى الكاغذ	در آب دادن کاغذ	یازده، ۲	۴۹
تعتيق الكاغذ	کهنه ساختن کاغذ	یازده، ۳	۵۰
صفة أخرى منه	طریق دیگر	یازده، ۴	۵۱
كتابة بيضاء على أسود	در تراشیدن قلم ها و نقش ایشان	یازده، ۵	۵۲
كتابة سوداء في أبيض	در نوشتن سیاه بر سفید	یازده، ۶	۵۳
صفة أخرى من نقش الأقلام	طریق دیگر	یازده، ۷	۵۴
[قلم خوب پنج نوع است]	در اقسام قلم ها	یازده، ۸	۵۵
حبر أحمر / ياقوتی	مداد سرخ یاقوت رنگ	۶ ≈	۵۶ (+ ۵۷ ؟)
حبر أزرق طاووسی	مداد کبود	۸	۵۸
حبر وردی	مداد گلگون	۹	۵۹
لیقه بیضاء ملیحه	لیقه سفید خوب	۵۳	۶۰
لیقه ذهبیه	لیقه طلا رنگ	۵۵ ≈	۶۱



جدول شماره ۲
ترکیب جوهر (مركب) ها

حلال	نمک فلز	عنصر چسبنده	معدهنی	رنگینه: گیاهی	جوهر مازو	
آب			انثیمون شنگرف سبز تیره		انار، گردو، مازو، مورد	۱
آب		صمغ	زرنيخ	زعفران		۲
آب	سولفات سبز				مازو + هلیله	۳
آب		صمغ	(...)		مازو	۴
آب	سولفات قبرس	صمغ			مازوی سبز	۵
آب		صمغ		زعفران	مازوی سفید	۶
آب	سولفات یونانی	صمغ			هلیله زرد	۷
آب؟		صمغ + لاک		کزیره		۸
آب؟		صمغ	سرنج، زنجفر + کربنات دو سود			۹
آب		صمغ + لاک	شنگرف			۱۰
آب			زرنيخ		مازو	۱۱
سرکه		صمغ		گل شقایق نعمانی		۱۲
سرکه		صمغ		گل شقایق نعمانی	مورد	۱۳
آب		صمغ	شنگرف		مازوی سفید	۱۴
آب؟		لاک		الخیری الاحمر نیل		۱۵
آب		صمغ آمونیاک	سبز تیره			۱۶
آب		صمغ + عسل	طلق	بَقْم + زعفران		۱۷
(تقطیر)	سولفات					۱۸
آب	سولفات + سولفات سبز	صمغ			مازو	۱۹
آب	سولفات	صمغ		سماق		۲۰
آب	سولفات + سود	مورد + صمغ + نشاسته	مرغش + سفیداب		مازو	۲۱
آب	سولفات		سفیداب		مازو	۲۲
زهرة بز						۲۲
						مكرر
سرکه	(کوره)	صمغ	سفیداب + زنجفر		مازوی سفید	۲۳
آب		صمغ		گل شقایق نعمانی	مورد	۲۴
سرکه		صمغ	تیره تازه		مازوی سفید	۲۵
آب		نشاسته	زرنيخ زرد		مازو	۲۶
آب		صمغ		نشاسته	مازو	۲۷
آب		صمغ	شنگرف		مازو	۲۸ و ۲۹

جدول شماره ۳
ترکیب لیکه‌ها

حلال	نمک فلز	عنصر چسبنده	معدنی	رنگینه گیاهی	جوهر مازو	
آب		اشنان	شنگرف	بَقَم		۳۰
آب		صمغ	زنجفر	نیل		۳۱
آب		صمغ	زنجفر + زرنیخ زرد			۳۲
سرکه		صمغ		زعفران	مازوی سبز	۳۳
آب		صمغ		عروق + زعفران	انار + مورد	۳۴
آب		صمغ	شنگرف (در ترجمه انگلیسی)		مازو (در رساله بو قلمون: هلیله)	۳۵
آب		صمغ	زرنیخ	زعفران		۳۶
آب		صمغ		عروق + نیل	مازو	۳۷
آب		صمغ + زرده تخم مرغ	زرنیخ	زعفران		۳۸
شراب		صمغ	سبز تیره			۳۹
شراب + سرکه		صمغ	سبز تیره			۴۰
آب		صمغ	زرنیخ	تره + نیل	مازو	۴۱
آب		صمغ	سفیداب		مازو	۴۲
آب		صمغ	لاجورد		مازو	۴۳
تقطیر	سولفات	عسل + صمغ	طلق			۴۴
کوره	سولفات زرد + کلرو آمونیاک	پوست گاو				۴۵
سرکه	توتیا	صمغ	طلق	زعفران		۴۶
آب		صمغ	طلق + زرنیخ زرد			۴۷
آب		صمغ				۴۸
آب		صمغ		گل شقایق	مورد	۴۹
سرکه	(کوره)		سفیداب + زنجفر		مازو	۵۰
آب		صمغ		عروق + زعفران	مورد + انار	۵۱
آب + آمونیاک	سولفات	صمغ		زعفران	مازو	۵۲
		صمغ + کتیرا + چسب ماهی	سفیداب + طلق			۵۳
آب	سولفات	صمغ			گردو + مازو	۵۴
کوره + alembic	سولفات	عسل + صمغ	طلق			۵۵

جدول شماره ٢
ترکیب ليقه ها
مطابقت بندهای رساله [عربی] ابن باديس با صنعت های رساله «بوقلمون»

رساله بوقلمون	ابن باديس	رساله بوقلمون	ابن باديس
٦ =	٢٩ و ٢٨	∅	١
٧ ≈	٣٠		٢
٨ =	٣١		٣
٩ =	٣٢		٤
١٠ و ٤٣ =	٣٣		٥
١١ و ٤٤ =	٣٤	٥٦ ≈	٦
١٢ و ٤٥ =	٣٥	٥٧ ≈	٦ مکرر
٣٧ و ٤٦ =	٣٦		٧
٣٨ =	٣٧	٥٨ =	٨
٣٩ =	٣٨	٥٩ =	٩
٤٠ و ٤٧ =	٣٩	١٣ =	١٠
٤١ و ٤٨ =	٤٠	١٤ =	١١
٤٢ =	٤١	١٥ =	١٢
٢٦ =	٤٢	١٦ =	١٣
٢٧ =	٤٣	١٧ =	١٤
٢٨ =	٤٤	١٨ =	١٥
٢٩ =	٤٥	١٩ =	١٦
٣٠ =	٤٦	٢٠ =	١٧
٣١ =	٤٧	٢١ =	١٨
٣٢ =	٤٨	٢٢ =	١٩
٣٣ =	٤٩	٢٣ =	٢٠
٢٤ =	٥٠	٢٤ =	٢١
٢٥ =	٥١	٢٥ =	٢٢
٣٦ =	٥٢	١ =	٢٣
٦٠ ≈	٥٣	٢ =	٢٤
∅	٥٤	٣ =	٢٥
٦١ ≈	٥٥	٤ =	٢٦
∅	٥٧ و تا آخر	٥ =	٢٧

بسم الله الرحمن الرحيم رب يسر

الباب الأول في فضل القلم والخط وانتخاب الأقلام
الجيدة واختيارها واختلاف بريرها على اجناس الخطوط
وصفة الدواة واختيار لاتها من السكاكين وغيرها
الباب الثاني في عمل اجناس المداد^١ الباب الثالث
في عمل اجناس الاحبار السوداء^٢ الباب الرابع في عمل
اجناس الاحبار الملونة^٣ الباب الخامس في عمل اللينق^٤
الباب السادس في تلوين الاصباغ وخطها^٥ الباب
السابع في الكتابة بالذهب والفضة او ما يقوم مقامها^٦
الباب الثامن في وضع الاسرار في الكتب^٧ الباب التاسع
في عمل ماتمي به الكتابة من الدفاتر والرقوق^٨ الباب
العاشر في عمل الفرمان الحليزون وحلغ^٩ الباب
والصاق الذهب والفضة وصفة مصافله وصقله واقلام^{١٠}
الشعر والریش وجميع آلات الذهب والفضة الباب
الحادي عشر في عمل الكاغد وتوشية الاقلام وتشيها^{١١}
وسقى الكاغد وتعيقفه^{١٢} الباب الثاني عشر في صفة
التجليد والجلد وجميع آلاته حتى يستغنى عن المجلدين^{١٣}
الباب الاول في فضل القلم والخط قال الله تبارك
وتعالى ت والقلم وما يسطرون وقال تعالى اقرأ وربك
الاکرم الذي علم بالقلم^{١٤} وقال رسول الله صلى الله عليه
وسلم اول ما خلق الله عز وجل القلم فقال له اجري

وما يصلحها
من الاوت
ويطبق بها على ما
الروفات
واضافة
المداد وفيه
وجوه وانواع
واجناس
التركيبات
وقية وجود
واللينق الصبي
ويهد النوع
غريبة وفيه نفس
العجينة شتى
والاوراق
وسقيتها
فيما جاء
علم الانصار
ما لم يعلم
ان

